

امامی با حزب توده ایران، انتشار روزنامه و جزوه‌های آموزشی مارکسیستی، و کوشش برای تشکیل سازمان انقلابی کمونیستی ایران که قرار بود به تأسیس حزب کمونسیت ایران بینجامد، «بخش اول» و درست نیمی از این کتاب ۳۶۰ صفحه‌ای را تشکیل می‌دهد.

بخش دوم، حاوی چهار «پیوست» است: پیوست شماره ۱، با عنوان «خاطرات»، «دست‌نوشته مختار کیا؛ از زندگی و فعالیت‌های باقر امامی» است که با «آشنایی با امامی» و «زندگی‌نامه» او شروع می‌شود؛ و با «خودکشی امامی» پایان می‌یابد. پیوست شماره ۲، «خاطرات هونان عاشق» از یاران امامی است در مصاحبه نویسنده با او. پیوست شماره ۳، «خاطرات رمضان آزاد» است در مصاحبه نویسنده با او. پیوست شماره ۴، پاسخ‌های هادی پاکزاد است به پرسش‌های خسروپناه، نویسنده کتاب.

بخش سوم کتاب، «مدارک» است که چندان چیزی به محتوای اصلی کتاب اضافه نمی‌کند. پایان بخش کتاب هم تصاویری است از باقر امامی و آثار و یاران او.

جمعه ۳۰ آبان ۱۳۹۳، اصفهان

محمد دهقانی؛ نویسنده و مترجم

آدولف ه. (دو زندگی)

اریک - امانوئل اشمیت / ترجمه محمد همتی - مشهد، نیکو نشر، ۱۳۹۲

کار حقیقتاً سختی است که آدم بخواهد از خیل کتاب‌های خوبی که ظرف یک سال گذشته خوانده است فقط یکی را انتخاب و معرفی کند. اگر کار فقط به حوزه ترجمه منحصر باشد، چگونه می‌توان کارها و بلکه شاهکارهای بزرگانی چون عزت‌الله فولادوند و عبدالله کوثری و رضا رضایی و خشایار دیهیمی را نادیده گرفت، یا به حیث تنگی دایره انتخاب فقط به معرفی یکی از آنها بسنده کرد؟ چون نمی‌توانم از این میان فقط یکی را برگزینم، ناچار از کمند این انتخاب دشوار می‌گریزم و به سراغ کتابی می‌روم که نویسنده و مترجم و ناشرش را کمتر کسی می‌شناسد و درست به همین دلیل بیشتر سزاوار معرفی و قدردانی است، کتابی به نام آدولف ه. (دو زندگی).

چه می‌شد اگر در روز هشتم اکتبر سال ۱۹۰۸ آدولف هیتلر نوجوان، که سودای نقاشی داشت و خیال می‌کرد که در آینده هنرمندی بزرگ خواهد شد، در آکادمی هنر وین پذیرفته می‌شد و آن سودا و خیال بی‌خطر را پی می‌گرفت؟ اگر هیتلر نقاش می‌شد و می‌توانست هیجان‌های خودبزرگ‌پندارانه‌اش را در قالب هنر نقاشی، به تعبیر روانکاوان، «والایش» کند، آیا جهان از خطر آن جنگ عظیم می‌رست و میلیون‌ها انسان قربانی توفان هوس‌هایی نمی‌شدند که از جنون خودبزرگ‌بینی آن جوانک خام‌اندیش اتریشی برجوشیده بود؟ اگر هیتلر به جای میدان جنگ و سیاست به عرصه هنر پای می‌نهاد، آیا امکان نداشت به یاری

سحر حلال و شفابخش هنر سمند خوی ستیزه جوی خود را لگام زند تا مرغزار جهان را چنان بی دریغ لگدمال نکند؟ این پرسشی است که اریک امانوئل اشمیت کوشیده است در رمان خواندنی آدولف ه. (دو زندگی)، به آن پاسخ دهد.

رمان با این حکم قاطع آغاز می شود: «آدولف هیتلر: مردود!»، حکمی که از زبان سرایدار خونسرد و جلادسیرت آکادمی سرازیر می شود و چون چاقویی سرد در دل جوانک جای می گیرد و همه آرزوهای او را یک باره بر باد می دهد. هیتلر آکادمی هنر را ترک می کند و «با گام هایی کوتاه و شانه هایی فروافتاده در شلوغی شهر وین گم» می شود (ص. ۷). شهر زیبایی که آن همه دوستش می داشت و امیدوار بود که نگارخانه های باشکوه و مشهورش روزی شاهکارهای بی همانند او را در آغوش بگیرند اینک در چشم او به دشمنی بی رحم و سزاوار انتقام بدل شده بود. عبارت کوتاه و کوبنده «آدولف هیتلر: مردود!» طنین طبل جنگ را دارد و تداعی کننده همه فجایعی است که اگر هیتلر در آکادمی هنر وین قبول شده بود شاید هرگز رخ نمی داد. از این جاست که نویسنده صحنه را عوض می کند و شخصیتی خیالی به نام آدولف ه. پدید می آورد که برخلاف آدولف هیتلر واقعی در امتحان ورودی آکادمی پذیرفته می شود و نقاشی را پیشه خود می کند.

نویسنده از این پس زندگی آدولف ه. و آدولف هیتلر را به موازات هم روایت می کند و این امکان را به خواننده می دهد که هیتلر خیالی (هیتلر هنرمند) را با هیتلر واقعی (هیتلر فاشیست) مقایسه کند و ببیند که اگر شرایط برای هیتلر چنان مهیا می شد که به سراغ هنر برود آن گاه سرنوشت او، و لابد سرنوشت جهان، به گونه ای دیگر رقم می خورد.

رمان آدولف ه. (دو زندگی) را دوست فاضل ارجمند خانم بهدخت نژاد حقیقی به رسم هدیه به من لطف کردند و الحق که هدیه خوبی بود. نویسنده شرح زندگی دو هیتلر واقعی و خیالی را، مثل دو شاخه یک پیچک، ماهرانه در هم

تافته و از آن داستان پویا و پرکششی پدید آورده است که خواننده دوست دارد آن را یک نفس بخواند و به پایان برد. یکی از جذاب ترین صحنه های رمان مواجهه و گفت و گوی آدولف نقاش با فروید روانکاو است. می دانیم که در همان سال های قرن بیستم که هیتلر روزهای جوانی خود را در وین به سرگردانی و باربری و تفنن در نقاشی می گذراند، مشهورترین روانشناس جهان، زیگموند فروید، در همان شهر سرگرم معالجه بیماران روانی بود و از این لحاظ بارورترین سال های عمر خود را پشت سر می نهاد. راستی اگر بخت با هیتلر جوان یار می بود و او را به طریقی راهی مطب فروید می کرد و آن طبیب جان را به موقع به فریاد او می رساند، شاید به جای آن که به فکر انتقام از بی گناهیانی بیفتد که مسبب فلاکت های خود



می‌دانستشان، رنج‌های خود را به سرمایه‌ای برای خلق هنر بدل می‌کرد و به این ترتیب موجب تسلی خاطر مردمان می‌شد. اریک امانوئل اشمیت نشان داده است که اگر چنین واقعه‌ای به‌راستی رخ می‌داد و هیتلر به مدد بخت از یاری و راهنمایی فروید برخوردار می‌گشت، آن‌چه رخ می‌داد این بود که جهان از آسیب یکی از خون‌ریزترین جنگ‌افروزان تاریخ در امان می‌ماند و در عوض به صف هنرمندان جهان یک تن افزوده می‌شد.

رمان آدولف ه. را آقای محمد همتی از آلمانی ترجمه و آقای علی عبداللهی، که خود صاحب ترجمه‌های خوبی از شعر و ادبیات آلمانی است، ویرایش کرده‌اند. صرف نظر از ضعف‌های جزئی ترجمه، باید گفت که مترجم و ویراستار مجموعاً در کار خود موفق بوده‌اند. این ترجمه را مؤسسه نیکونشر مشهد منتشر کرده و نشان داده است که ناشران کمترشناخته شهرستانی هم می‌توانند با انتخاب‌های مناسب خود کتاب‌های خوبی را به بازار نشر عرضه کنند. آدولف ه. را، چون به سرگذشت هیتلر و آلمان نازی و جنگ جهانی دوم مربوط می‌شود، می‌توان نوعی رمان تاریخی هم محسوب کرد. از این‌رو، علاقه‌مندان به تاریخ معاصر جهان و به‌ویژه تاریخ آلمان نازی هم احتمالاً از خواندن آن لذت خواهند بردند.

محمد حسین خسروپناه؛ پژوهشگر و تاریخ‌شناس

مؤسسات خیریه رفاهی - بهداشتی در دوره رضاشاه

الهام ملک‌زاده - تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۲

دوره سلطنت رضاشاه یکی از مقاطع مهم تاریخ معاصر ایران است. اهمیت آن، پیش و بیش از هر چیز، ناشی از اصلاحاتی است که در زمینه‌های اداری، حقوقی و قضایی، اقتصادی و مالی، صنعتی، بهداشت و درمان، فرهنگ و آموزش، و مانند اینها در آن دوره انجام گرفت و تحولاتی را پدید آورد که نه تنها در زمان خود جامعه شهری ایران را دگرگون کرد بلکه، در بسیاری از زمینه‌ها، نوسازی ایران در سال‌های بعد هم ادامه تحولات دوره رضاشاه است. برنامه نوسازی در آن دوره چنان گسترده و متنوع بود که هنوز برخی جنبه‌هایش مورد بررسی قرار نگرفته است و از این‌رو شناخت و آگاهی همه‌جانبه‌ای از تحولات اجتماعی آن دوره نداریم. یکی از آن جنبه‌های کمتر بررسی شده، مؤسسه‌های خیریه است. مؤسسه‌هایی که هدف و وظیفه‌شان رسیدگی به احوال بی‌سرپرستان و تهیدستان جامعه، کاستن از مشکلات آنها و فراهم کردن امکانات لازم برای ارتقای سطح زندگی‌شان است. کتاب مؤسسات خیریه رفاهی - بهداشتی در دوره رضاشاه به این جنبه از برنامه نوسازی اجتماعی در دوره سلطنت رضاشاه می‌پردازد.

تلاش برای نوسازی جامعه ایران از دوره قاجار آغاز شد و اقدامات پراکنده‌ای هم در آن دوره انجام گرفت. ملک‌زاده ابتدا توضیح می‌دهد که در دوره قاجار، در نتیجه آشنایی با